



بدون رانت، بدون انحصار

اشاره:

انعکاس اخباری در مورد حواشی مربوط به واگذاری کارخانه کرب ناز کرمانشاه و واردات انبوه نخ که تعبیر برخی فعالان نساجی به اشباع انبار تولیدکنندگان نخ داخلی منجر شده و همچنین نقل قول‌های بسیار در خصوص شکل‌گیری مافیای واردات نخ توسط فرزندان عبدخدایی (از یاران نواب صفوی)؛ مهم‌ترین انگیزه انجام مصاحبه با عبدالمجید عبدخدایی است که قاطعانه می‌گوید «برخی اعلام کرده‌اند عبدخدایی منتسب به حزب موفله اسلامی است و به همین دلیل به واردات گسترده نخ و ایجاد شرایط نامساعد برای تولیدکنندگان داخلی نخ می‌پردازد اما تاکنون هیچ‌کسی از حزب موفله سفارش مرا در وزارت‌خانه‌ها و ادارات مختلف دولتی نکرده است... اگر کسی چنین ادعایی دارد به طور شفاف اعلام کند تا من نیز در جریان آن قرار بگیرم!»

وی می‌افزاید «وقتی قیمت نخ بالا می‌رود، واحدهای بافندگی ما را متهم به اختلال در بازار می‌کنند، قیمت نخ پایین می‌آید، واحدهای ریسندگی مدعی می‌شوند که با واردات انبوه نخ، کمر تولید را شکسته‌ایم! متأسفانه از هر دو طرف تحت فشار هستیم؛ در حالی که به‌عنوان یک واردکننده مخالف صد درصد محدودیت هستیم و معتقدم واردات باید تحت ضوابط مشخص انجام شود.»

عبدخدایی اذعان می‌دارد «همه تصور می‌کنند من از رانت استفاده می‌کنم ولی این طور نیست. اگر قرار بود از موقعیت خانوادگی خود سوءاستفاده کنم قطعاً شغلی به غیر از فروش نخ را انتخاب می‌کردم و به واردات کالایی می‌پرداختم که هر کسی توان و قدرت واردات آن را ندارد.»

بدیهی است ماهنامه نساجی امروز همچون همیشه به‌عنوان یک تریبون بی‌طرف، آمادگی خود را برای انعکاس نظرات مخالفان و موافقان این بحث اعلام می‌دارد.

«به‌عنوان مقدمه در مورد فعالیت‌ها و مواد اولیه وارداتی توسط شرکت بازرگانی عبدخدایی توضیحاتی ارائه نمایم.

حدود بیست و پنج سال در زمینه واردات مواد اولیه نساجی از قبیل نخ‌های پلی‌استر، ویسکوز (نخ‌های پنبه‌ای نمره ۳۰ و ۴۰، نخ‌های پلی‌استر فیلامنت از ۴۰ تا ۳۰۰ دنیر، اسپاندکس، ویسکوز نمره ۳۰ و ۴۰، پلی‌استر ویسکوز و نخ‌های صد درصد اسپان از ۳۰ به بالا) و دو سالی است به واردات مواد شیمیایی و رنگ‌های نساجی می‌پردازم به تازگی نیز کارخانه کرب ناز کرمانشاه را با وضعیت بسیار نابسامان خریداری کرده‌ایم و در حال تولید پارچه هستیم.

«آماري از میزان واردات نخ‌هایی که اشاره کردید؛ در اختیار دارید؟

آماري در اختیار ندارم اما واردات نخ اسپان به مراتب بیشتر از تولید داخلی است، با توجه به افزایش ظرفیت واحدهای ریسندگی طی سال‌های گذشته شاهد رونق تولید نخ‌های پنبه‌ای در کشور هستیم اما متأسفانه در زمینه بافندگی ظرفیت قابل توجهی ایجاد نشده است.

چرا؟

اگرچه تعداد فعالان بخش ریسندگی و تولید نخ زیاد نیست اما قدرت و نفوذ بسیاری دارند در حالی که تعداد واحدهای بافندگی فراوان اما در مقیاس کوچک هستند. به دلیل بالا بودن حاشیه سود واحدهای ریسندگی، سرمایه‌گذاری در این بخش بیشتر از سرمایه‌گذاری در بخش بافندگی است و با خلأ بزرگی در زمینه بافندگی (به خصوص بافندگی تخت‌باف) مواجه هستیم.

ممکن است مقایسه‌ای میان کیفیت و تنوع الیاف و نخ‌های تولید داخل با مشابه وارداتی انجام دهید.

در حال حاضر کیفیت نخ و الیاف تولید داخل بسیار مطلوب شده و با نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات جدید و به روز، تلاش خود را برای ارتقای کیفیت تولیدات خود به کار می‌گیرند اما متأسفانه وقتی واردات مسدود می‌شود، امکان رقابت سالم از بین می‌رود و هیچ کنترلی به روی قیمت این محصولات صورت نمی‌گیرد؛ شاهد فشارهای مضاعف بر واحدهای بافندگی خواهیم بود که قیمت‌های خود را سرسام‌آور بالا می‌برند و تقاضا برایشان افزایش پیدا می‌کند اما با افزایش واردات و کاهش تقاضا، فریادشان به آسمان می‌رسد که واردات کمر ما را شکسته است! در حالی که کمتر واحد بافندگی توان سر دادن گلابیه و شکایت از واردات بی‌رویه را دارد! نخ (به‌عنوان مواد اولیه کارخانجات) در گمرکات براساس ارزش جهانی آن کالا بررسی می‌شود اما پارچه وارداتی به

دلیل نبود کارشناس و نرخ تخلیه و بارگیری کانتینر (THC) براساس وزن محاسبه می‌شود به همین دلیل واردکنندگان ترجیح می‌دهند پارچه‌های گران قیمت و کم وزن وارد کنند که این امر خسارت جبران‌ناپذیری بر واحدهای بافندگی وارد می‌کند.

آیا برنامه‌ای برای واردات پنبه ندارید تا این پنبه در اختیار واحدهای ریسندگی قرار گیرد؟ یکی از اقلام وارداتی ما نخ‌های پنبه‌ای است اما برای واردات پنبه هیچ برنامه‌ای نداریم.

با توجه به سابقه بازرگانی و آشنایی با بازار، قصد سرمایه‌گذاری یا فعالیت در زمینه ریسندگی را دارید؟

خیر چون سطح سرمایه‌گذاری در بخش ریسندگی بسیار بالاست؛ ضمن این که بر رشد و توسعه بخش بافندگی متمرکز شده‌ایم و اولویت اصلی ما نجات کارخانه فسل و ورشکسته‌ای است که تحویل ما داده‌اند.

چطور تصمیم گرفتید کارخانه کرپ ناز کرمانشاه را خریداری نمایید و به تعبیر خودتان آن را نجات دهید؟

از نظر اصولی، خرید کارخانه تولیدی توسط یک واردکننده چندان منطقی نیست چون هیچ‌گاه تولید، سودآوری واردات را ندارد اما تولید، لذت‌های غیرمادی دارد که نمی‌توان با پول مقایسه کرد. از نظر مالی، خرید یک کارخانه بحران‌زده بسیار نادرست بود اما

برای افزایش اشتغال‌زایی و باقی ماندن نام نیک، این کارخانه را با بدهی‌های سنگین خریداری کردیم. کارخانه کرپ ناز کرمانشاه با ۱۱۵ کارگر و ۴۳ میلیارد تومان زیان انباشته در دوم اردیبهشت ۱۳۹۸ به ما واگذار شد. کارخانه‌ای که حدود هشت سال با ۲۰ درصد ظرفیت کار کرده بودند و بانک (به‌عنوان مالک) با توجه به وضعیت مالی مطلوب خود، حقوق کارگران را پرداخت می‌کرد به همین دلیل بحران‌های مربوط به حقوق معوق کارگری که در اکثر واحدهای بخش خصوصی وجود داشت در کرپ ناز مشاهده نمی‌شد. این کارخانه طی سال‌های اخیر بیش از دو برابر قیمت سهامش، زیان انباشته داشت و طبق ماده ۱۴۱ قانون تجارت هر لحظه امکان اعلام ورشکستگی و تعطیلی آن وجود داشت (ماده ۱۴۱: اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رأی واقع شود). در چنین شرایطی کارخانه را تحویل گرفتیم.

پس از گذشت هفت ماه، کارت بازرگانی کارخانه اوایل آبان تمدید شد اما هنوز از ماده ۱۴۱ قانون تجارت خارج نشده و به همین دلیل قادر به دریافت تسهیلات در زمینه ضمانت‌نامه‌های متداول نیست و هیچ بانکی حاضر نیست به یک کارخانه مشمول ماده ۱۴۱ تسهیلاتی اعطا کند پس تا این لحظه هیچ‌گونه تسهیلاتی از سیستم بانکی و دولت دریافت نکرده‌ایم. در حال حاضر ۱۸۰ کارگر در کرپ ناز مشغول کار هستند و رشد حدود ۷۰ درصد نیروی انسانی را تجربه



کرده‌ایم و طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا پایان سال تعداد کارگران به ۲۲۰ نفر برسد.

۴ بخش ماشین‌آلات خطوط تولید کرب ناز در چه شرایطی قرار داشت؟

یکسری از ماشین‌آلات کاملاً فرسوده بود و هیچ اقدامی برای تعویض قطعات صورت نگرفته بود، از بعضی هم فقط اسکلت باقی مانده است. تأسیسات کارخانه اعم از دیگ بخار و کمپرسورها مستهلک شده بودند و هیچ اثری از تعمیر و نگهداری آنها به چشم نمی‌خورد. ظرف هشت ماه گذشته، تأسیسات کارخانه را به سطح قابل قبولی رساندیم اما با توجه به تحریم‌ها و بالا بودن قیمت ارز هنوز به سطح ایده‌آل نرسیده‌ایم. بهره‌وری ماشین‌آلات بافندگی از ۲۰-۳۰ درصد گذشته به رقم ۷۵ درصد رسیده است، حجم تولید روزانه بین ۳-۷ هزار متر مربع پارچه بود اما امروز به رشد ۴۰۰ درصدی دست یافته‌ایم.

اگرچه استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های دارای بالاترین نرخ بیکاری، شناخته می‌شود اما استخدام کارگران مناسب که حاضر به کار در واحدهای نساجی باشند به سادگی امکان‌پذیر نیست. کما این‌که بسیاری از افراد یک هفته در کارخانه کار می‌کنند اما با توجه به شرایط دشوار، دوام نمی‌آورند و آنجا را ترک می‌کنند.

علی‌رغم تمام این مسائل تا امروز توانستیم بسیاری از بخش‌های کارخانه را احیاء نماییم و در حال بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات رنگرزی هستیم، بعضی از قطعات دارای مصرف دوگانه و نظامی بود که شاید بیست سال برای واردات آنها تلاش شد ولی این اتفاق رخ نداد، با تکیه بر ارتباطات خارج از کشور به واسطه واردات و فعالیت‌های تجاری و تحمل سختی‌ها و درس‌های فراوان، این قطعات را با چند برابر قیمت اصلی وارد کشور کردیم. (قیمت قطعه حدود سه هزار یورو داشت اما واردات آن برای ما ۲۰ هزار یورو هزینه در پی داشت.)

در حال حاضر یک دستگاه استنتر گرفته‌ایم که هنوز از گمرک ترخیص نشده است اما ۲۰۰ کانتینر نخ که آقایان می‌گویند وارد کرده‌ام به سرعت ترخیص شد!!!

ای کاش مدارک و مستندات این ادعا را نشانمان دهند... قطعات متعددی برای ماشین‌آلات بافندگی از اروپا به صورت مسافری آورده‌ایم زیرا آن زمان کرب ناز کارت بازرگانی برای واردات ماشین‌آلات نداشت. از ۴۰ ماشین تابندگی فقط ۱۰ دستگاه را راه‌اندازی کرده‌ایم و مابقی تقریباً بلااستفاده هستند. از سه ماشین تکسچرایزینگ دو دستگاه قابل راه‌اندازی است و باید تدابیری برای این بخش بیندیشیم. در زمینه آهار سه دستگاه وجود دارد که یکی غیرقابل استفاده است و مابقی نیز پاسخگوی تولیدات ما نیست و باید ماشین‌آلات جدید خریداری نماییم. در بخش چله پیچی با مشکل خاصی مواجه نیستیم اما جت‌های رنگرزی باید مورد بازسازی قرار گیرند، در بخش چاپ هم مشکلات بسیاری وجود دارد. کرب ناز ظرفیت تولید سالیانه حدود ۱۰ میلیون متر مربع پارچه چادر مشکی را دارد و تکنولوژی و دانش فنی تولید آن چندان سخت نیست.

۴ حواشی‌های بسیاری در زمینه خرید کارخانه کرب ناز کرمانشاه در محافل داخل و خارج از صنعت نساجی، وجود دارد از واردات به نام تولید تا خرید کارخانه به قیمت بسیار پایین. برای اطلاع‌رسانی دقیق در این زمینه و روشن شدن واقعیت، توضیحاتی ارائه نمایم.

اگر تا این لحظه یک سنت کالا با کارت بازرگانی کرب ناز وارد کشور شده، من حاضر تمام زندگی‌ام را بدهم... بخشی از این حواشی توسط کانال‌های معاند شکل گرفت. اطلاعاتی که در اختیار این کانال‌ها قرار گرفته بود، کاملاً نادرست و بی‌اساس بود. طبق ادعای آمدنیوز، کارخانه امکان تولید ریسندگی پنبه‌ای را دارد در حالی که کرب ناز اصولاً واحد بافندگی است نه ریسندگی! امکان تولید هیچ‌گونه نخ پنبه‌ای در این کارخانه وجود ندارد و ذات کرب ناز طبق سیستم پلی‌استر تعریف شده است نه پنبه.

در گام بعدی اعلام شد که کرب ناز به نام تولید، ۲۰۰ کانتینر نخ پنبه وارد کشور کرده است، در حالی که کارخانه تا آبان امسال کارت بازرگانی نداشت، پس چگونه امکان واردات داشته؟ استنتری که تیر و مرداد

وارد کشور کردیم، همچنان در گمرک بلا تکلیف مانده و ترخیص نشده است! تمام مستندات این واردات وجود دارد و زمان دقیق تمدید کارت بازرگانی کرب ناز در سیستم‌های تجارت جامع ثبت شده است. مگر کشور این قدر بی‌قانون است که بدون کارت بازرگانی، بتوان ۲۰۰ کانتینر نخ پنبه وارد کشور کنیم؟!

عده‌ای اعلام کردند کرب ناز با «قیمت مفت» واگذار شده است. اولاً کارخانه یازده بار به مزایده گذاشته شد اما هیچ‌کسی برای خرید آن اعلام آمادگی نکرد. ثانیاً درخواست ما برای خرید کارخانه دی سال ۹۷ بود که بعد از دو ماه کار کارشناسی و جلسات متعدد میان وکلای دو طرف، در نهایت به یک نقطه مشترک پیرامون نوع عملیات انتقال دست یافتیم. خوشبختانه پیش از ارائه درخواست خرید، کرب ناز تیرماه ۹۷، توسط سه نفر از کارشناسان رسمی دادگستری کرمانشاه مورد کارشناسی قرار گرفته بود که نسبت به رقم کارشناسی معترض هستیم اما برای این‌که بانک توسط نیروهای نظارتی زیر سوال نرود، مراتب اعتراض خود را به قیمت کارخانه مطرح نکردیم. در نهایت کرب ناز به قیمت کارشناسی (و نه حتی یک ریال کمتر) خریداری شد و بهره اقساط مصوب شورای پول و اعتبار نیز در قیمت کارخانه لحاظ و در مقابل اقساط کارخانه، املاک سهل‌البیع در اختیار بانک قرار داده شد. ما حتی خود کارخانه را به‌عنوان وثیقه در رهن بانک قرار ندادیم بلکه سایر املاک را به‌عنوان وثیقه بانکی در نظر گرفتیم.

اگر امروز در کشور کسی حاضر به خرید کرب ناز است، حاضریم کارخانه را با بیست درصد قیمت پایین‌تر واگذار نماییم. کارخانه به قیمت کارشناسی خریداری و بهره‌های بانکی آن پرداخت شده است و به ضرر قاطع با کمال شهامت اعلام می‌کنم یکی از بهترین و سالم‌ترین خصوصی‌سازی پس از انقلاب به شمار می‌آید و نه تنها از نیروهای نظارتی برای کنترل مسائل مربوط به خرید کارخانه مکدر نخواهیم شد بلکه استقبال هم به عمل می‌آوریم. تمام اسناد و مدارک خرید هم وجود دارد و آماده ارائه آن به سازمان بازرسی کل کشور، مجلس شورای اسلامی و ... خواهیم بود.

بسیاری از فعالان نساجی مخالف واردات نخ هستند و معتقدند واردات نخ به ضرر تولیدکنندگان داخلی نخ است. این حواشی هم وجود دارد که با واردات چندین کانتینر نخ، باعث اشباع انبار تولیدکنندگان از نخ‌های فروش نرفته شده‌اید. پاسخ شما به این دیدگاه چیست؟

ممنوعیت واردات مواد اولیه و پارچه نادرست است. زیرا تولیدکننده داخلی قادر به رفع تمام نیاز داخل نیست. امروز قیمت الیاف پنبه در دنیا یک دلار و ۳۰ سنت است و فروشنده خارجی، نخ آن را با قیمت دو دلار و ۶۰ سنت می‌فروشد در حالی که تولیدکننده ایرانی، نخ پنبه را به قیمت چهار دلار و ۵۰ سنت عرضه می‌کند! به‌عنوان واردکننده نخ پنبه، ۱۵ درصد باید حقوق و عوارض گمرکی و ۹ درصد ارزش افزوده بپردازم و همین لحظه که با هم صحبت می‌کنیم، تولیدکننده داخلی ۱۹ درصد جلوتر از من است. چرا باید فریادش به آسمان برسد؟! اگر من، نخ وارد نکنم کمبود شدیدی در بازار نخ به وجود می‌آید و تولیدکننده نخ پنبه را از چهار دلار و ۵۰ سنت فعلی به شش دلار می‌رساند بدون این که کسی معترض شود. در این میان چه کسی نابود خواهد شد؟ بافنده! به این ترتیب قیمت تمام شده بافنده و به تبع قیمت تمام شده پوشاک بالا می‌رود و قاچاق پارچه و پوشاک مقرون به صرفه‌تر از همیشه خواهد شد!

مطلب بعد این که ما برای واردات نیازی به کارت بازرگانی کرپ ناز نداریم زیرا کارت بازرگانی خودمان

معتبر است و محدودیتی برای واردات نداریم که یک کارخانه با میلیاردها تومان زبان انباشته و دردسر و مشقت فراوان بخریم تا از کارت بازرگانی آن استفاده کنیم! ضمن این که با کارت بازرگانی کرپ ناز هیچ‌گونه وارداتی انجام نداده‌ایم زیرا اعتبار آن منقضی شده بود و به تازگی تمدید کرده‌ایم.

در مورد پر شدن انبارها هم باید بگوییم از شهریور سال گذشته، گرانی و کمبود نخ در بازار به دلیل مشکلات تحریم و افزایش نرخ ارز به وجود آمد و خلأ بزرگی میان قیمت تمام شده نخ (چه تولید داخل و چه واردات) شکل گرفت و این سود بسیار فریبنده، باعث شد کسانی که واردکننده نبودند وارد این بازار شوند همچنین کارخانه‌های بافندگی که قبلاً مصارف خود را از واردکنندگان رسمی یا تولیدکنندگان داخلی نخ تأمین می‌کردند، به واردکننده تبدیل شدند و حجم فراوان نخ به بازار تزریق شد که در شکل‌گیری این وضعیت، هیچ نقشی نداشتیم زیرا ۱۵ درصد از واردات نخ توسط مجموعه ما انجام می‌شود. به شما اطمینان می‌دهم که این خلأ بار دیگر شکل خواهد گرفت زیرا امروز تمام واردکنندگان مذکور، متضرر شده‌اند و از این بازار خارج می‌شوند. به این ترتیب نخ‌های وارداتی به مرور تمام می‌شوند و باز همان اتفاق شهریور ۹۷ تکرار می‌شود یعنی کمبود نخ در بازار، واردات بی‌رویه و زبان‌های هنگفت واردکنندگان! آن روز واحدهای ریسندگی که امروز فریاد می‌زنند «انبارهایمان پر است»، دوباره امتحان خود را پس خواهند داد... چرا چپیس پلی‌استر ۱۵ هزار تومان اما نخ آن ۳۰ هزار تومان است؟ اگر تولیدکنندگان نخ، قیمت کالای خود

را به صورت منطقی تعیین کنند با توجه به هزینه‌های اضافی واردات، برای واردکننده هیچ توجیه اقتصادی باقی نمی‌ماند. پس آنها از کمبود نخ، سوءاستفاده می‌کنند و به دولت و نهادهای حاکمیتی فشار می‌آورند تا جلوی واردات گرفته شود و محدودیت شکل بگیرد در حالی که ایجاد محدودیت به شکل‌گیری رانت منتهی می‌شود.

اگر واحدهای ریسندگی از واردات نخ، گلابه‌مند هستند، کاری کنند واردات انجام نشود... آنها که پنبه مورد نیاز را با تعرفه پنج درصد وارد می‌کنند، از ارز نیمایی بهره‌مند می‌شوند و ارزش افزوده‌ای نمی‌پردازند؛ پس چرا واردکننده می‌تواند علی‌رغم پرداخت ۲۴ درصد حقوق و عوارض گمرکی و ارزش افزوده و...، در رقابت با تولیدکننده داخلی موفق عمل کند؟! بعد هم که از شیوه منطقی قادر به رقابت نیستند به وزارت صنعت جهت ممنوعیت واردات، فشار وارد می‌کنند!

۴ افزایش نرخ ارز چه تأثیراتی در صنعت نساجی دارد؟

نرخ ارز در قیمت تمام شده‌ای که مصرف‌کننده کالا می‌گیرد هیچ تأثیری ندارد زیرا خلأ بزرگی میان کالای تولید شده و سیستم توزیع کشور وجود دارد؛ در واقع آن قدر سود بخش توزیع بالاست که بالا رفتن نرخ ارز را بی‌اثر می‌کند. به اعتقاد من بازار باید آزاد باشد و قیمت خود را پیدا کند نه دستوری و تحت فشارهای قضایی، ثابت نگه داشته شود.

۴ و تبعات تحریم‌ها؟

صرف‌نظر از مشکلات انتقال پول به دلیل تحریم‌ها، محدودیت‌های انتخاب فعالان صنعتی و اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد و عرضه‌کنندگان مواد اولیه یا ماشین‌آلات از چین، هند و امثالهم نیز به خوبی می‌دانند هیچ چاره‌ای جز تعامل با آنان نداریم و به همین دلیل قیمت محصولات خود را برای بازار ایران افزایش می‌دهند و از کیفیت می‌کاهند.

این وضعیت مختص صنعت نساجی نیست برای مثال کیفیت و قیمت کاغذ آندونزی به مراتب بهتر





و بالاتر از کاغذ کره جنوبی است، پس از تحریم‌ها که ارتباطات مالی و تجاری با اندونزی قطع شد، واردکنندگان ایرانی مجبور شدند از کره جنوبی کاغذ وارد کنند اما در همین زمان، قیمت کاغذ کره جنوبی فقط برای بازار ایران ۲۰۰ دلار گران‌تر از کاغذ اندونزی شد! وقتی قدرت انتخاب نداریم، عملاً باید کالاهای مختلف را ۱۰ درصد گران‌تر تهیه کنیم که این امر یکی از زبان‌های مستتر و پنهان تحریم است. در زمینه واردات ماشین‌آلات و قطعات صنعتی نیز وضعیت همین‌گونه است. ژاپن به طور کلی هرگونه تعامل تجاری با ایران را قطع کرده است لذا مجبوریم شرکت‌هایی در اروپا یا چین پیدا کنیم که حاضر به ارائه خدمات پس از فروش هم باشند و اصلاً مشخص نیست فردا به ما ماشین‌آلات و خدمات بدهند یا خیر... پس مشاهده می‌کنید که ریسک سرمایه‌گذاری در ایران بسیار بالاست و یک سرمایه‌گذار که در این شرایط سخت به تولید می‌پردازد یا دیوانه است یا عاشق میهن خود، غیر از این هیچ منطق دیگری وجود ندارد.

من دست ریسندگان را می‌بوسم اما هیچ خسارتی به آنان وارد نمی‌کنم و فقط با محدودیت و رانت در هر زمینه‌ای مخالفم. کما این که همه تصور می‌کنند من از رانت استفاده می‌کنم ولی این‌طور نیست. اگر قرار بود از موقعیت خانوادگی خود سوء استفاده کنم قطعاً شغلی به غیر از فروش نخ را انتخاب می‌کردم و به واردات کالایی می‌پرداختم که هر کسی توان و قدرت واردات آن را ندارد. مردم به اخبار آمدنیوز گوش دادند و هر چند می‌دانستند دروغ می‌گوید اما دوست داشتند باور کنند که آمدنیوز راست می‌گوید! حتی یکی از دوستان نزدیک در کارگروه تأمین مواد اولیه پوشاک که در جریان واقعیت فعالیت‌های ما قرار دارد، به صورت نامحسوس بر علیه ما در رسانه ملی مصاحبه‌ای انجام داد... برخی از اعضای این کارگروه نزد بازرسی وزارت صنعت رفتند و اعلام کردند عبدخدایی منتسب به حزب مؤتلفه اسلامی است و به همین دلیل به واردات گسترده نخ و ایجاد شرایط نامساعد برای تولیدکنندگان داخلی نخ می‌پردازد اما تاکنون هیچ کسی از حزب مؤتلفه سفارش مرا در

وزارت‌خانه‌ها و ادارات مختلف دولتی نکرده است... اگر کسی چنین ادعایی دارد به طور شفاف اعلام کند تا من نیز در جریان آن قرار بگیرم! ما تا امروز یک ریال از هیچ بانکی وام و تسهیلات نگرفته‌ایم، یک ریال بدهی ارزی نداریم و جزو معدود شرکت‌هایی هستیم که از دارایی طلبکار هستیم.

برخی ادعا کردند که در کنار واردات نخ، آدامس نیز وارد می‌کنم اما به لطف پیشرفت تکنولوژی و سیستماتیک شدن تمام فعالیت‌ها، زمینه فعالیت شرکت کاملاً شفاف و مشخص است و غیر از نخ و رنگ‌های نساجی هیچ کالای دیگری وارد کشور نکرده‌ایم و تمام کسانی که ادعاهای کذب علیه ما مطرح می‌نمایند، به خداوند واگذار کرده‌ایم. در کشور ما اگر یک نفر رشد کند سایرین تلاش نمی‌کنند تا به رشد و شکوفایی برسند بلکه تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا به اصطلاح او را به زمین بزنند؛ حتی اگر سال آینده کرپ ناز را به بهترین و مدرن‌ترین کارخانه بافندگی ایران تبدیل کنیم، باز هم مخالفان می‌گویند با رانت و مافیا به این جایگاه رسیده‌ایم! هیچ مافیایی در کار نیست و امروز به اندازه مصرف یک‌سال نخ کارخانه را تأمین کرده‌ایم تا کارگرانمان حداقل برای یک‌سال بیکار نمانند.

در حال حاضر ۹۵ درصد از زمان و انرژی ما به احیای کرپ ناز اختصاص دارد در صورتی که ۹۵ درصد درآمد‌هایمان از بخش بازرگانی به دست می‌آید! آن هم در کشوری که تمام مسائل با سیاست‌گره خورده

و هیچ ثباتی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و صدور قوانین و مقررات وجود ندارد، کما این که بانک مرکزی سال گذشته بیش از ۱۳۰ بخشنامه بانکی صادر کرد که برخی از موارد آن با همدیگر متناقض هستند!

در این میان وقتی قیمت نخ بالا می‌رود، واحدهای بافندگی ما را متهم به اختلال در بازار می‌کنند، قیمت نخ پایین می‌آید، واحدهای ریسندگی مدعی می‌شوند که با واردات انبوه نخ، کمر تولید را شکسته‌ایم! متأسفانه از هر دو طرف تحت فشار هستیم؛ در حالی که به‌عنوان یک واردکننده مخالف صد درصد محدودیت هستم و معتقدم واردات باید تحت ضوابط مشخص انجام شود. هیچ کشوری چنین بی‌محابا دچار افراط و تفریط نیست، یک روز آن قدر در کشور با کمبود کالا مواجه می‌شویم که نگرانی مردم را به دنبال دارد، یک روز عرضه در بازار چنان افزایش پیدا می‌کند که نمی‌توان برای آن محدودیتی متصور شد! به اعتقاد من سه راه برای مدیریت اقتصاد کشور بدون نفت پیش روی قرار دارد:

* تمرکز بر شفاف‌سازی و جلوگیری از فرارهای مالیاتی

* تمرکز بر تولیدات داخلی تا به اشتغال‌زایی منتهی شود.

* دولت اموال زیان‌ده خود را به مدیران توانمند و دارای اهلیت بخش خصوصی واگذار نماید.